



حمیدرضا سائیک عهدا | جوان

خشم و خوسه در رستاخیز ایران

رحیم زیاده‌علی

با گذشت سه هفته از جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ملت ایران، میدان مقابله و سبیلی زدن به دشمنان متجاوز به مراتب فراخ‌تر از روزهای نخستین شده است. رهبر شهیدمان گفته بودند، دست از پا خطر کنید، «بیچاره‌تان» خواهیم کرد. اکنون آنها این بیچارگی را با تمام وجود لمس می‌کنند. نه یارای مقابله و رهگیری موشک‌های ایرانی را دارند و نه حریف خشم میدانی ملت ایران شده‌اند. ترامپ مقصد و مغرور، فکر کرده بود مانند گوی و ونزویلا در یک عملیات «تمیز، سریع و کم هزینه» کار نظام اسلامی را یکسره خواهد کرد؛ اکنون اما در میدان چنان زمینگیر و مستأصل شده که مانند بیمار مالیخولیایی مشاعر خود را از دست داده و نمی‌فهمد چه می‌کند و چه می‌گوید. تا جایی که برای آرام کردن او به جاده جنیل و روان درمانی متوسل شده‌اند که البته کارساز هم نبوده است. آن گونه که گفته شده، ترامپ با پیشنهاد «سوسه‌انگیز» نتانیاهو به این معرکه پانهاد که البته تیختر و خوی سلطه‌طلبانه خود او نیز در پذیرش این پیشنهاد بی‌تأثیر نبوده است. او سوسه شده بود که با حمله به ایران و ساقط کردن نظام برآمده از رأی مردم، علاوه بر تجزیه ایران، هم بر منابع عظیم نفت و گاز کشور مسلط خواهد

شد و هم کنترل انرژی دنیا را به دست خواهد گرفت که در آن صورت، هم هژمونی آمریکا را با این ابزارها حفظ خواهد کرد و هم چین و روسیه را کنترل می‌کند. نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی هم با این وسوسه دنبال حذف بزرگ‌ترین مزاحم منطقه‌ای برای توسعه‌طلبی خود و رسیدن به رؤیای نیل تا فرات بوده، اما اکنون هر دو در باتلاقی فرو رفته‌اند، که هر چه تقلا می‌کنند، بیشتر به مرگ نزدیک‌تر می‌شوند. این سوی معادله، اما وضعیت به کلی متفاوت است. دشمن صهیونی-آمریکایی در تصور باطل خود، فکر می‌کرد با تروپ رهبر معظم انقلاب و فرماندهان ارشد، نظام اسلامی از هم خواهد پاشید، اما خون او رستاخیزی در ایران به پا کرده است. اکنون بهتر می‌توان عبارت بنیادگذار انقلاب اسلامی را در ک کرد که گفتند «من با جرئت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی می‌باشند». آنها به خونخواهی رهبر شهیدشان قیام کرده‌اند. گویی شهادت مقتدایان روح و حیات تازه‌ای به مبارزات حق طلبانه ملت ایران دمیده است. خشم اجتماعات میدانی ملت ایران از ترامپ و نتانیاهو، اگر نگوییم کشنده‌تر و مؤثرتر از موشک‌های خوشه‌ای است، کمتر نیست. خشم و خوشه‌ای که به زودی بساط متجاوزان را برای همیشه از منطقه بر خواهد چید. «الیس الصبح یقریب».



حمیدرضا سائیک عهدا | جوان



حمیدرضا سائیک عهدا | جوان

«اقتدار» روایت پیروزی یک ملت

حوریه ملکی

در روزهایی که ایران با حملات هوایی دشمنان مواجه است و فضای منطقه‌ای با تنش‌های جدی همراه شده، آنچه در شهرهای مختلف کشور دیده می‌شود تصویری متفاوت از چیزی است که در جنگ‌های کلاسیک انتظار می‌رود. برخلاف روایت‌هایی که برخی رسانه‌های خارجی تلاش می‌کنند از یک جامعه مضطرب و مختل ارائه دهند، واقعیت میدانی در ایران نشان می‌دهد که زندگی در جریان است و جامعه ایرانی با آرامشی قابل توجه به مسیر عادی خود ادامه می‌دهد و گام‌هایش استوار و در خط پیروزی است. بازارها در تهران، مشهد، تبریز، شیراز، اصفهان، اهواز و دیگر شهرهای کشور فعال‌اند و مردم برای برگزاری عید قرآن و عید طبیعت برنامه‌ریزی کرده‌اند. فروشگاه‌ها مملو از کالا است، قفسه‌های مواد غذایی پر است و تولیدکنندگان و شبکه‌های توزیع بدون وقفه در حال فعالیت‌اند. این تصویر، در کنار ثبات اقتصادی، بیانگر کارکرد منسجم ساختارهای مدیریتی، ظرفیت لجستیکی کشور و اعتماد اجتماعی در شرایط بحران است. در ادبیات مدیریت بحران، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های تاب‌آوری ملی، تداوم زندگی روزمره شهروندان است. جامعه‌ای که در شرایط تهدید نیز بتواند چرخه تأمین کالا، خدمات و فعالیت اقتصادی خود را حفظ کند، در واقع توانسته بخش مهمی از اهداف جنگ روانی دشمن را خنثی کند. از این منظر، آرامش حاکم بر بازار ایران در کنار اقتصاد پویا، نشانه‌ای از پایداری اجتماعی و کارآمدی نظام تأمین و توزیع است. دشمنان معمولاً در کنار حملات نظامی، بر ایجاد اختلال در زندگی روزمره مردم تمرکز می‌کنند. ایجاد حس کمبود کالا، شکل‌گیری صف‌های طولانی و گسترش نگرانی عمومی از جمله ابزارهایی است که در بسیاری از جنگ‌ها برای تضعیف روحیه اجتماعی به کار گرفته می‌شود. اما تجربه این روزهای ایران نشان می‌دهد این راهبردها در برابر ساختار اجتماعی و مدیریتی کشور اصلاً کارآمد نبوده است. آرامش مردم و حضور خانواده‌ها در کوچه و خیابان و ادامه فعالیت عادی کسب‌وکارها در استان‌های مختلف، در واقع پیام روشنی با این مضمون می‌فرستد که جامعه ایرانی نه تنها دچار اختلال نشده، بلکه با انسجام بیشتری مسیر زندگی خود را ادامه می‌دهد. همین آرامش عمومی، خود یک پیروزی بزرگ محسوب می‌شود. پیروزی‌ای که بدون هیاهوی نظامی، در بطن زندگی روزمره مردم شکل می‌گیرد. تاریخ ایران نیز گواه همین واقعیت است. ایرانیان در طول قرن‌ها با بحران‌ها، جنگ‌ها و فشارهای بیرونی متعددی مواجه بوده‌اند، اما همواره توانسته‌اند با اتکا به فرهنگ، هویت و همبستگی اجتماعی خود از این آزمون‌ها عبور کنند. استمرار زندگی، حفظ امید اجتماعی و تداوم فعالیت اقتصادی در شرایط دشوار، بخشی از همان سنت تاریخی مقاومت و پایداری است که ریشه ایرانیان را در پیروزی‌ها نگه داشته است. رفتار امروز ایرانیان، نمادی از اعتماد، ثبات و تداوم زندگی در سرزمینی است که بارها در طول تاریخ از دل بحران‌ها سربلند بیرون آمده است. اقوامی که حتی در سخت‌ترین شرایط نیز زندگی را متوقف نمی‌کنند و با آرامش، امید و اتحاد اجتماعی، از هر اتفاق و واقعه‌ای یک پیروزی بزرگ برای ثبت در تاریخ خلق می‌کنند.



حمیدرضا سائیک عهدا | جوان

پیروزی ایرانیان با ایمان و همبستگی

محمدرضا هادیلو

در طول تاریخ، ایران به عنوان سرزمینی مطرح بوده که از دل تنوع، همبستگی ساخته است. از کوه‌های کردستان و زاگرس تا دشت‌های خوزستان، از جنگل‌های شمال و دشت‌های خراسان تا سواحل مکران و خلیج فارس، مردمانی با زبان‌ها، آیین‌ها و فرهنگ‌های گوناگون در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. کرد و لر، بلوچ و ترک، فارس و عرب، ترکمن و گیلک و بسیاری اقوام دیگر، هر کدام با رنگ و بوی آیین و سنن و فرهنگی خاص، اما با ریشه‌هایی مشترک در ایمان، هویت و حس تعلق به سرزمینی که نامش ایران است. در روزهای عادی، این تنوع بیشتر در جشن‌ها، موسیقی‌ها، لباس و آیین محلی دیده می‌شود. اما در روزهای سخت و در زمان بحران‌ها، وجه دیگری از این جامعه آشکار می‌شود؛ چهره‌ای از همدلی، همبستگی و تاب‌آوری. در زمان جنگ‌ها و بخصوص زمانی که این سرزمین مورد حمله دشمنان قرار می‌گیرد و زیرساخت‌های غیرنظامی مورد هدف قرار می‌گیرند، وقتی مدرسه‌های تخریب می‌شوند، یا مرکز درمانی و خانه‌هایی که محل زندگی مردم عادی هستند، آسیب می‌بینند، نخستین واکنش جامعه ایران نه ترس و فروپاشی، که اتحاد و همبستگی است. در چنین لحظاتی، مردم از هر استان و هر قومیتی، خود را در رنج یکدیگر شریک می‌دانند. کمک‌های مردمی، حضور داوطلبان، همدلی در فضای عمومی و تلاش برای بازسازی و ادامه زندگی، جلوه‌هایی از روحیه ایرانی اسلامی است. در بسیاری از بحران‌های طبیعی و انسانی در دهه‌های گذشته نیز همین الگو دیده شده است. جامعه‌ای که به جای تسلیم شدن در برابر سختی، با تکیه بر همبازی و باورهای مشترک، راه ادامه دادن و رسیدن به آرامش و موفقیت را پیدا می‌کند. طی هفته‌های اخیر و بعد از حملات آمریکایی-صهیونیستی به شهرهای مختلف ایران، بار دیگر رفتار و روحیه‌ای از ایرانیان به

جهانیان مخابره شد که نشان می‌داد حاصل شرایط امروز نیست. مرور تاریخ این سرزمین نشان می‌دهد که مردمان این سرزمین در طول قرن‌ها با فراز و فرودهای فراوانی روبه‌رو بوده‌اند. جنگ‌ها، حملات، بحران‌های طبیعی و دشواری‌های بزرگ، بارها این جامعه را آزموده است. اما در روایت تاریخی ایران، یک ویژگی همواره تکرار شده و آن هم اینکه ایرانیان در برابر فشار و تجاوز، روحیه ایستادگی خود را از دست نداده و نمی‌دهند. امروز هم آنچه این پایداری را ممکن کرده، فقط قدرت نظامی یا سیاسی نبوده؛ بلکه شبکه‌ای از باورهای فرهنگی، اعتقادات مذهبی، پیوندهای اجتماعی و حس عمیق تعلق به سرزمین و جامعه است. ایمان، امید و حس مسئولیت نسبت به یکدیگر، سرمایه‌های اجتماعی ساخته که در لحظات دشوار به کمک جامعه می‌آید. بعد از جنگ ۱۲ روزه نیز در میان تمام دشواری‌ها و خسارت‌هایی که بحران‌ها بر زندگی مردم وقتی شهروندانی با فرهنگ و آداب و رسوم متفاوت در استان‌های مختلف، کنار هم می‌ایستند و برای کمک به یکدیگر تلاش می‌کنند، تصویری روشن از آینده شکل می‌گیرد. آینده‌ای که در آن بازسازی، همدلی و ادامه زندگی ممکن است. شاید بهترین واژه برای توصیف ایران این باشد که بگوییم این کشور در طول تاریخ بارها نشان داده که قدرت اصلی‌اش در مردم آن نهفته است؛ مردمی که با وجود تفاوت‌ها، در لحظات سرنوشت‌ساز به یکدیگر نزدیک‌تر می‌شوند. همین پیوند عمیق است که به جهانیان ثابت کرده، ایران به راحتی از سخت‌ترین روزها عبور می‌کند. به همین دلیل است که در روایت جمعی ایرانیان، امید همواره زنده می‌ماند. امیدی که می‌گوید جامعه‌ای با چنین ریشه‌های فرهنگی و اینچنین باور و اعتقاد و روحیه همبستگی، از دل بحران‌ها، راهی به سوی سربلندی و آینده‌ای بهتر پیدا می‌کند.



حمیدرضا سائیک عهدا | جوان

ایران تسلیم‌ناپذیر است

احمد جوان

جنگ ترسناک است و مهیب. این را همه ما از زمان جنگ ۱۲ روزه تا تهاجم وحشیانه دشمن در نهم اسفند درک کرده‌ایم. جنگ با کودک و پیر و زن و مرد شوخی ندارد و هر لحظه می‌تواند مصیبتی شود بر سر انسان و خانواده‌ای. اما گاهی برای کوتاه کردن دست دشمنان قسم خورده ایران باید ایستاد، مقاومت کرد و جنگید. در هیاهوی جنگ روانی و رسانه‌ای آمریکا و رژیم صهیونیستی در دو ماهه اخیر، آنها طوری وانمود کرده بودند که در نبرد با ایران، جنگی سریع و راحت در پیش دارند. برای آن هم از جنگ با عراق و تسلیم شدن زودهنگام افسران ارتش بعث صحت می‌کردند. حالا با گذشت نزدیک به سه هفته از جنگ نابرابر آمریکا و اسرائیل با ایران، همه به این نتیجه رسیده‌اند که جمهوری اسلامی ایران تسلیم‌نشدنی و شکست‌ناپذیر است. دشمنان در خیال باطل خود فکر می‌کردند با شهادت رهبر و فرماندهان عالی‌رتبه نظامی پیروزی راحت‌تر از همیشه به دست می‌آید، ولی در صحنه نبرد بود که متوجه شدند توان نظامی ایران مشتقی فولادین می‌شود و بر سر دشمنان و متحدانشان فرود می‌آید. دو قدرت نظامی با تمام توان اطلاعاتی و نظامی‌شان نتوانستند به اهدافشان برسند و این شکست بزرگی برایشان به حساب می‌آید. پس از این جنگ نگاه دنیا به جمهوری اسلامی ایران بیش از گذشته تغییر خواهد کرد و همه ایران را به عنوان کشوری با قدرت نظامی و روحیه‌ای تسلیم‌ناپذیر می‌شناسند.